گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۵۳۶۵۸۲
چهارشنبه ۴ آذر ۱۴۰۵ ۳:۱۱

زمستان زودرس در صنعت فولاد؛ از سهمیه‌بندی گاز تا کابوس توقف تولید

زمستان امسال برای صنعت فولاد ایران با یک نگرانی قدیمی اما این بار در شرایطی متفاوت آغاز شده است. آیا کارخانه‌هایی که در سال‌های گذشته با محدودیت برق و گاز دست‌وپنجه نرم کرده‌اند، بار دیگر باید بخشی از ظرفیت تولید خود را به دلیل کمبود انرژی از دست بدهند؟ شواهد و اظهارات تازه فعالان صنعت نشان می‌دهد این نگرانی دیگر صرفاً یک پیش‌بینی فصلی نیست و محدودیت تامین گاز برخی واحدها از نیمه دوم آبان آغاز شده است.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی معدن پیشرو؛ زمستان امسال برای صنعت فولاد ایران با یک نگرانی قدیمی اما این بار در شرایطی متفاوت آغاز شده است. آیا کارخانه‌هایی که در سال‌های گذشته با محدودیت برق و گاز دست‌وپنجه نرم کرده‌اند، بار دیگر باید بخشی از ظرفیت تولید خود را به دلیل کمبود انرژی از دست بدهند؟ شواهد و اظهارات تازه فعالان صنعت نشان می‌دهد این نگرانی دیگر صرفاً یک پیش‌بینی فصلی نیست و محدودیت تامین گاز برخی واحدها از نیمه دوم آبان آغاز شده است.

در حالی که محدودیت تامین گاز برخی واحدهای فولادی به ۲۵ تا ۴۰ درصد رسیده و قیمت گاز در معاملات بورس انرژی تا حدود ۸۰ هزار تومان گزارش شده است، هشدارها درباره احتمال تشدید محدودیت‌ها در آذر، دی و بهمن جدی‌تر شده است.

افزایش ۳.۵ برابری قیمت انرژی در یک سال گذشته نیز فشار مضاعفی بر تولیدکنندگان وارد کرده؛ وضعیتی که می‌تواند هزینه تمام‌شده تولید، عرضه محصولات فولادی و درآمد صادراتی شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار دهد و به طور کلی تولید را از صرفه بیندازد. وحید یعقوبی، معاون اجرایی انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران، ۳۰ آبان از اعمال محدودیت ۲۵ تا ۴۰ درصدی گاز در برخی واحدهای فولادی خبر داد و هشدار داد که در صورت تداوم شرایط موجود، احتمال توقف فعالیت تعدادی از کارخانه‌ها در ماه‌های آینده وجود دارد. به گفته او، در مذاکرات با مسئولان شرکت ملی گاز و وزارت نفت، نسبت به دشواری تامین گاز موردنیاز فولادسازان در اواخر آذر، دی و بهمن هشدار داده شده است.

این هشدار از آن جهت اهمیت دارد که محدودیت‌ها پیش از ورود به اوج مصرف زمستانی آغاز شده‌اند. در واقع، هنوز فشار اصلی مصرف خانگی در سردترین روزهای سال شکل نگرفته، اما بخشی از صنایع انرژی‌بر با کاهش سهمیه گاز روبه‌رو شده‌اند.

محدودیت تامین گاز واحدهای فولادی پیش از اوج مصرف زمستانی آغاز شده و نگرانی‌ها درباره توقف تولید و تکرار بحران انرژی در زنجیره معدن و فولاد را افزایش داده است.

با آغاز زودهنگام محدودیت گاز واحدهای فولادی پیش از اوج سرما و جهش هزینه‌های انرژی، زنگ خطر توقف تولید، افت حاشیه سود شرکت‌ها و اختلال در کل زنجیره معدن و فولاد به صدا درآمده است. زمستان امسال برای صنعت فولاد ایران با یک نگرانی قدیمی اما این بار در شرایطی متفاوت آغاز شده است.

آیا کارخانه‌هایی که در سال‌های گذشته با محدودیت برق و گاز دست‌وپنجه نرم کرده‌اند، بار دیگر باید بخشی از ظرفیت تولید خود را به دلیل کمبود انرژی از دست بدهند؟ شواهد و اظهارات تازه فعالان صنعت نشان می‌دهد این نگرانی دیگر صرفاً یک پیش‌بینی فصلی نیست و محدودیت تامین گاز برخی واحدها از نیمه دوم آبان آغاز شده است.

در حالی که محدودیت تامین گاز برخی واحدهای فولادی به ۲۵ تا ۴۰ درصد رسیده و قیمت گاز در معاملات بورس انرژی تا حدود ۸۰ هزار تومان گزارش شده است، هشدارها درباره احتمال تشدید محدودیت‌ها در آذر، دی و بهمن جدی‌تر شده است.

افزایش ۳.۵ برابری قیمت انرژی در یک سال گذشته نیز فشار مضاعفی بر تولیدکنندگان وارد کرده؛ وضعیتی که می‌تواند هزینه تمام‌شده تولید، عرضه محصولات فولادی و درآمد صادراتی شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار دهد و به طور کلی تولید را از صرفه بیندازد.

وحید یعقوبی، معاون اجرایی انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران، ۳۰ آبان از اعمال محدودیت ۲۵ تا ۴۰ درصدی گاز در برخی واحدهای فولادی خبر داد و هشدار داد که در صورت تداوم شرایط موجود، احتمال توقف فعالیت تعدادی از کارخانه‌ها در ماه‌های آینده وجود دارد.به گفته او، در مذاکرات با مسئولان شرکت ملی گاز و وزارت نفت، نسبت به دشواری تامین گاز موردنیاز فولادسازان در اواخر آذر، دی و بهمن هشدار داده شده است.

این هشدار از آن جهت اهمیت دارد که محدودیت‌ها پیش از ورود به اوج مصرف زمستانی آغاز شده‌اند. در واقع، هنوز فشار اصلی مصرف خانگی در سردترین روزهای سال شکل نگرفته، اما بخشی از صنایع انرژی‌بر با کاهش سهمیه گاز روبه‌رو شده‌اند.

محدودیت تامین گاز واحدهای فولادی پیش از اوج مصرف زمستانی آغاز شده و نگرانی‌ها درباره توقف تولید و تکرار بحران انرژی در زنجیره معدن و فولاد را افزایش داده است

به این ترتیب، پرسش اصلی برای مدیران فولادی که هم‌اکنون نیز در برخی موارد با کمتر از نصف ظرفیت تولید خود چراغ شرکت را روشن نگه

داشته‌اند، دیگر صرفا میزان محدودیت انرژی نیست، بلکه مدت تداوم آن و امکان برنامه‌ریزی تولید در ماه‌های پیش‌رو را با مشکلی جدی مواجه می‌کند.

گاز گران؛ راه نجاتی که اقتصادی نیست

یکی از مهم‌ترین ابعاد تازه بحران، افزایش هزینه تامین انرژی است. به گفته یعقوبی، برخی واحدهای فولادی برای جبران کمبود گاز به معاملات بورس انرژی روی آورده‌اند، اما قیمت گاز در این بازار به حدود ۸۰ هزار تومان به ازای هر مترمکعب رسیده است؛ نرخی که از نگاه فعالان صنعت، خرید آن را برای تولید فولاد فاقد صرفه اقتصادی می‌کند.

از سوی دیگر، گزارش‌های منتشرشده درباره نرخ گاز صنایع در سال جاری نیز از افزایش قابل توجه هزینه انرژی حکایت دارد.براساس داده‌های منتشرشده از نرخ‌های گاز، بهای گاز مصرفی واحدهای احیای فولاد از حدود ۱۰۷۷۳ تومان در بهار به حدود ۱۷۸۴۹ تومان در شهریور رسیده است؛ افزایشی در حدود ۶۶ درصدی.

همچنین دبیر انجمن تولیدکنندگان فولاد از افزایش ۳.۵ برابری قیمت انرژی در یک سال گذشته به‌عنوان یکی از عوامل فشار بر تولید و صادرات نام برده است. مسئله اینجاست که خرید گاز گران‌قیمت در شرایطی که حاشیه سود تولیدکنندگان تحت فشار هزینه‌های مواد اولیه، حمل‌ونقل، تامین مالی و محدودیت‌های صادراتی قرار دارد، لزوما راه‌حل پایداری نیست. تولیدکننده باید میان کاهش تولید و خرید انرژی با نرخ‌هایی که می‌تواند مزیت اقتصادی محصول را از بین ببرد، تصمیم بگیرد؛ انتخابی که در هر دو حالت هزینه اقتصادی به همراه دارد.

کرمان؛ هشدار ۴۰ روزه و نگرانی صنایع معدنی

در همین حال، اظهارات استاندار کرمان درباره احتمال قطع گاز برخی مراکز عمومی استان در بازه ۳۰ تا ۴۰ روز، نگرانی‌ها درباره وضعیت انرژی در یکی از قطب‌های اصلی معدن و فولاد کشور را افزایش داده است.

محمدعلی طالبی در نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی کرمان از تشکیل قرارگاه مدیریت انرژی برای تامین پایدار انرژی و جلوگیری از توقف فعالیت واحدهای تولیدی خبر داده است. او همچنین با اشاره به احتمال افت فشار گاز در مناطق شرقی استان، بر ضرورت پیش‌بینی سوخت جایگزین تاکید کرده است.

اما شنیده‌ها حاکی است که از هم‌اکنون در این منطقه هشدارهای جدی به شرکت‌های فعال فولادی داده شده که اگر اظهار نظر این استاندار را در کنار سهمیه‌بندی استانی و معاون برنامه‌ریزی وزارت صمت قرار دهیم، به نظر می‌رسد فولادی‌های مستقر در منطقه کرمان زمستان پرمخاطره‌ای را پیش رو خواهند داشت.

لذا اهمیت موضوع برای شرکت‌هایی مانند گل‌گهر، توسعه آهن و فولاد گل گهر، گهرزمین، جهان فولاد سیرجان، فولاد سیرجان ایرانیان، فولاد زرند کرمان و سایر واحدهای معدنی و فولادی استان، ضرورت شفاف‌سازی درباره برنامه تامین انرژی منطقه را دوچندان می‌کند.

به عبارت بهتر، در حالی که سالانه هزینه‌های شرکت‌ها با افزایش قیمت گاز و برق، افزایش هزینه حمل‌ونقل، محدودیت‌های صادرات و واردات و غیره در بخش نهادها و به‌ویژه در بخش گاز و تحمیل مالیات بیشتر بالا رفته و حاشیه سود این شرکت‌ها از ۳۳ درصد به ۶ درصد رسیده، با قطعی گاز آن هم ۴۰ روزه، عملا شرکت‌ها وارد فاز زیان‌دهی می‌شوند؛ در حالی که مدیران، کارمندان و کارگران فعال در این صنعت هیچ نقشی در آن ندارند.

مصوبه چهارماهه دولت؛ سهم صنایع تعیین شد، اما سهم واقعی تولید چقدر است؟

ازسوی دیگر ماجرا، دولت نیز که در روزهای اخیر از نگرانی‌های جدی صنایع فولادی و معدنی باخبر شده، روز گذشته از طراحی سازوکار مدیریت مصرف گاز خبر داده است.

شورای عالی انرژی به ریاست محمدرضا عارف، سهم مصرف بخش‌های خانگی، تجاری و عمومی، صنعتی، کشاورزی، حمل‌ونقل و نیروگاهی را برای چهار ماه سرد سال تصویب کرده است. با این حال، در زمان انتشار خبر، ارقام دقیق سهم هر بخش و جزئیات اجرایی این مصوبه به‌صورت عمومی منتشر نشده بود.

هم‌زمان، سعید شجاعی، معاون برنامه‌ریزی، نوآوری و هوشمندسازی وزارت صمت، اعلام کرده است که برنامه تخصیص گاز به زنجیره‌های تولیدی و استان‌ها استخراج و در مهرماه برای دولت و شرکت ملی گاز ارسال شده است. به گفته او، این برنامه در شورای عالی انرژی به تصویب رسیده و پیگیری اجرای سهمیه‌ها در سطح استان‌ها ضروری است.

این تصمیم از نظر سیاست‌گذاری اهمیت دارد؛ زیرا نشان می‌دهد دولت از مرحله اعلام ضرورت مدیریت مصرف عبور کرده و به سمت تعیین سهم بخش‌های اقتصادی حرکت کرده است.اما پرسش اساسی همچنان بی‌پاسخ مانده است: سهم مصوب صنعت فولاد دقیقا چقدر است و آیا این سهم با نیاز واقعی خطوط تولید و ظرفیت‌های فعال کارخانه‌ها تناسب دارد؟

رشد ۳.۵ برابری قیمت انرژی در یک سال گذشته و نرخ ۸۰ هزار تومانی گاز در بورس انرژی، حاشیه سود تولیدکنندگان را از ۳۳ درصد به ۶ درصد رسانده است

به عبارت بهتر، تصویب سهمیه چهارماهه، به‌تنهایی تضمین‌کننده تامین پایدار گاز نیست و بیشتر شبیه جدول تعطیلی کارخانه‌ها است و علاوه بر این، اگر سهم تعیین‌شده برای صنعت در عمل با محدودیت فشار شبکه، کاهش تحویل یا افزایش قیمت انرژی همراه شود، کارخانه‌ها همچنان با نااطمینانی در برنامه‌ریزی تولید مواجه خواهند بود.

خطر توقف یک حلقه و اختلال در کل زنجیره

اهمیت محدودیت گاز برای صنعت فولاد را باید در ماهیت فناوری تولید این صنعت جست‌وجو کرد. در ایران، بخش مهمی از فولاد از مسیر احیای مستقیم و کوره قوس الکتریکی تولید می‌شود. در واحدهای احیای مستقیم، گاز طبیعی فقط سوخت نیست، بلکه در فرایند شیمیایی تبدیل گندله به آهن اسفنجی نقش اساسی دارد. بنابراین جایگزینی آن با سوخت مایع به‌سادگی امکان‌پذیر نیست.

کاهش گاز دریافتی واحد احیا می‌تواند تولید آهن اسفنجی را محدود کند و در ادامه، فولادسازی و تولید شمش را تحت تاثیر قرار دهد. پیامد این اتفاق به نورد، تامین محصولات ساختمانی و صنعتی و حتی بازار صادراتی نیز منتقل می‌شود. از سوی دیگر، کاهش فعالیت واحدهای پایین‌دستی می‌تواند تقاضا برای گندله و کنسانتره را کاهش دهد و بر فروش شرکت‌های معدنی اثر بگذارد.این نگرانی در کنار احتمال محدودیت برق اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. مدیرعامل توانیر نیز درباره دشواری تامین سوخت نیروگاه‌ها و مصرف بخشی از ذخایر سوخت مایع هشدار داده است.

قطع احتمالی گاز در قطب‌های معدنی مانند کرمان و هم‌زمانی آن با محدودیت برق، زنگ خطر ورود واحدهای فولادی به فاز زیان‌دهی را به صدا درآورده است

در صورت تداوم کمبود گاز نیروگاه‌ها و ناکافی بودن ذخایر سوخت جایگزین، احتمال اعمال محدودیت برق نیز وجود دارد. به این ترتیب، صنعت فولاد ممکن است با دو فشار هم‌زمان مواجه شود: گاز کمتر برای تولید آهن اسفنجی و برق محدودتر برای فعالیت کوره‌ها، ریخته‌گری و خطوط نورد.

به عبارت بهتر، آنچه اکنون پیش روی صنعت فولاد قرار دارد، صرفا یک زمستان سرد دیگر نیست؛ در حالی که سالانه هزینه‌های شرکت‌ها با افزایش قیمت گاز و برق، افزایش هزینه حمل‌ونقل، محدودیت‌های صادرات و واردات و غیره در بخش نهادها و به‌ویژه در بخش گاز و تحمیل مالیات بیشتر بالا رفته و حاشیه سود این شرکت‌ها از ۳۳ درصد به ۶ درصد رسیده، با قطعی گاز آن هم ۴۰ روزه، عملا شرکت‌ها را وارد فاز زیان‌دهی می‌کند، در حالی که مدیران، کارمندان و کارگران فعال در این صنعت هیچ نقشی در آن ندارند و فعالان صنعت با نگرانی، بیش از هر چیز به یک پاسخ روشن نیاز دارند: آیا تولید در اولویت واقعی تخصیص انرژی قرار خواهد گرفت یا بار دیگر هزینه ناترازی به کارخانه‌ها و زنجیره تولید منتقل می‌شود؟